

جعفر بن محمد عليه السلام

امام صادق

www.ketab.ir

دکتر مرضیه محمدزاده

جعفر بن محمد علیه السلام امام صادق

مؤلف: دکتر مرضیه محمدزاده

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

ایستوگرافی: پرتوشمس

چاپخانه نگارش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۷۷-۸

تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

آدرس: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران

طبقه ششم، واحد ۶۱۱ و ۶۱۳

www.alilema.ir

alilema@yahoo.com



انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۴۶۶

۲) قم، خ صفائی، رویروی کوچه امام صادق، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۰۱ - ۳۷۷۳۷۰۱۱

۳) تهران، خ انقلاب، خ قاضی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

۴) مشهد، چهارراه شهید معلم، باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،

مجتمع تجاری گنجینه کتب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه

: محمدزاده، مرضیه، ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور

: جعفر بن محمد علیه السلام امام صادق / ج. م. محمدزاده.

مشخصات نشر

: قم: دلیل ما، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری

: ۱۰۵۶ ص.: نمونه، نقشه (رنگی).

شابک

: 978-964-397-877-8

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

یادداشت

: کتابنامه: ص. [۱۰۱۳] - ۱۰۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع

: جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق.

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۲ ج ۷ م ۳۴ / BP ۴۵

رده بندی دیویی

: ۲۹۷ / ۹۵۵۳

شماره کتابشناسی ملی

: ۳۳۹۶۵۵۲

فهرست مطالب

۲۳		مقدمه
۲۹		پیشگفتار

مجله اول

زندگانی تاریخچه امام صادق (ع) / ۳۹

۴۱		بخش اول: طلوع خورشید
۴۲		مادر امام (ع)
۴۴		ولادت
۴۵		کنیه و القاب
۴۹		شمایل، خصوصیات ظاهری
۵۰		نقش خاتم
۵۱		همسران
۵۳		فرزندان
۶۱		بخش دوم: سیره عملی امام (ع)
۶۲		خلق نیکو
۶۳		شجاعت و شهامت

۶۴	زهد و پارسایی
۶۶	علم و دانش
۶۸	انفاق
۷۲	عفو و گذشت
۷۳	کار و عبادت
۷۵	ذکر
۷۶	صبر و بردباری
۷۸	زیبایی ظاهری (زیبایی و زینت)
۸۱	بخش نهم: اصول و دلایل امامت
۸۱	نصوص
۸۷	دلایل
۸۸	کرامات
۹۳	بخش چهارم: حاکمان هم عصر امام
۱۰۳	بخش پنجم: اوضاع سیاسی و اجتماعی هم عصر امام
۱۰۴	قیام های عصر امامت امام علیه السلام
۱۰۴	عصر اموی
۱۰۵	قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام
۱۱۷	قیام یحیی بن زید
۱۱۹	نقش امام
۱۲۱	عصر عباسی
۱۲۱	قیام محمد بن عبدالله ملقب به نفس زکیه
۱۲۹	قیام ابراهیم بن عبدالله معروف به قتیل باخمر
۱۳۸	نقش امام علیه السلام
۱۴۱	مهدویت
۱۴۳	کیسانیه و مهدویت

۱۵۰	مهدویت محمد بن حنفیه
۱۵۶	مهدویت زید
۱۵۷	مهدویت نفس زکیه
۱۵۸	مهدویت عباسیان
۱۶۲	اندیشه مهدویت در شکل‌گیری و تقابل با حکومت عباسیان
۱۶۳	مکمل‌گیری نهضت عباسیان
۱۷۳	حکومت عباسیان
۱۸۵	نقش امام علیه السلام در عصر عباسی
۱۹۱	ریشه‌یابی تعامل میان با علویان
۱۹۵	برخورد امام علیه السلام با مزدوانیقی
۱۹۸	ساختن بغداد
۲۰۳	بخش ششم: اوضاع فرهنگ عصر امام علیه السلام
۲۰۵	اوضاع فرهنگی معاصر امام علیه السلام
۲۰۷	سیاست‌های فرهنگی امام علیه السلام
۲۱۳	بخش هفتم: مکتب و راویان امام علیه السلام
۲۱۳	اصحاب، راویان و شاگردان امام علیه السلام
۲۱۷	اصحاب اجماع
۲۱۹	اصحاب خاص امام علیه السلام
۲۱۹	آبان بن تغلب
۲۲۳	ابان بن عثمان
۲۲۴	ابوبصیر اسدی
۲۲۶	ابوبصیر مرادی
۲۲۷	بُرَیدَة (بُرَید) بن معاویه
۲۲۹	جابر بن حیان
۲۳۰	جَمیل بن ذَرَّاج

۲۳۲	حماد بن عثمان
۲۳۴	حماد بن عیسیٰ جُهَنی
۲۳۶	زُرارة بن اَعین شیبانی
۲۳۹	عبدالله بن بُکَیر
۲۴۱	عبدالله بن مُسکان
۲۴۲	فَضیل بن یَسار
۲۴۳	محمّد بن مسلم ثقفی
۲۴۵	محمّد بن نعمان بجلی
۲۴۶	مُفَضَّل بن عَمر
۲۴۶	هشتمین حکم
۲۴۹	بخش هشتم: نَحْلِی فِکْرِی عصر امام علیه السلام
۲۴۹	غلاة
۲۵۵	اقدامات امام علیه السلام در برابر غلاة
۲۶۵	نتایج غلو
۲۶۶	مفوضه
۲۶۶	زناده
۲۷۵	بخش نهم: شهادت امام علیه السلام
۲۸۱	بخش دهم: آثار امام علیه السلام
۲۹۷	بخش یازدهم: سخنان بزرگان در مورد امام علیه السلام

فصل دوم

زندگانی معرفتی امام صادق علیه السلام / ۳۱۱

۳۱۳	بخش اول: جایگاه عقل، علم و حکمت در عصر امام علیه السلام
۳۱۶	جایگاه عقل، علم و حکمت در آموزه‌های امام
۳۱۶	جایگاه عقل

۳۳۱	جایگاه علم
۳۳۵	علم و تعلم
۳۵۱	جایگاه حکمت
۳۵۶	قسمتی از فرمایشات حکمت بار امام جعفر صادق علیه السلام
۳۵۹	بخش دوم: آموزه های اعتقادی عصر امام علیه السلام
۳۶۰	امام علیه السلام و توحید
۳۶۴	متمم و صورت بندی ها در عصر امام علیه السلام
۳۷۸	احادیثی در باب توحید
۳۸۱	بند
۳۸۶	احادیثی در باب
۳۸۷	توحید و علم
۳۸۹	بخش سوم: شناخت
۳۸۹	شناخت از دیدگاه امام علیه السلام
۳۹۰	شناخت جهان (جهان شناسی)
۳۹۳	شناخت انسان (انسان شناسی)
۴۱۶	شناخت مرگ
۴۱۸	شناخت مردم و زمان
۴۲۱	بخش چهارم: امام علیه السلام و مباحث حجت
۴۳۲	احادیثی از امام علیه السلام در باب امامت
۴۵۱	بخش پنجم: مناظرات امام علیه السلام
۴۶۰	شیوه مناظره امام علیه السلام
۴۷۲	تربیت شاگردان جهت مناظره
۴۷۵	مخاطبان امام جعفر صادق علیه السلام در مناظرات
۴۷۷	بخش ششم: علم کلام در عصر امام علیه السلام
۴۷۹	مواجهه با دانش کلام و اصحاب مذاهب

۴۸۲	مباحث جبر و اختیار
۵۰۲	مباحث ایمان و کفر
۵۰۳	صفت ایمان
۵۰۵	رابطه ایمان با یقین
۵۰۷	صفت اسلام
۵۲۰	مباحث حدود و قدم
۵۲۳	بخش هشتم: امام علیه السلام و آموزه های اخلاقی
۵۲۳	شلاق در عصر امام علیه السلام
۵۲۴	آموزه های اخلاقی
۵۳۰	هدایت و اصلاح
۵۳۴	اطاعت و بندگی
۵۳۸	ابتلا و استدراج
۵۴۰	اخلاق و ایمان
۵۴۱	عمل و ایمان
۵۴۷	مؤمن
۵۴۸	علامات و صفات مؤمن
۵۵۷	عمل و ملکه اخلاقی
۵۹۳	ویژگی های مورد تأکید امام علیه السلام در سلوک با مردم
۶۴۵	بخش هشتم: فقه در عصر امام علیه السلام
۶۴۶	آموزه فقهی امام علیه السلام
۶۴۹	منابع احکام
۶۵۶	روش های فقهی
۶۶۴	قواعد فقه
۶۶۶	مباحث کتاب
۶۷۰	مباحث سنت

۶۷۴	چند حکم فقهی
۶۷۵	تقیه
۶۸۳	بخش نهم: قرآن از نگاه امام علیه السلام
۶۸۴	حقیقت قرآن
۶۸۸	حرمت قرآن
۶۸۹	آداب ظاهری قرائت قرآن
۶۹۱	آداب باطنی قرائت قرآن
۶۹۲	علم ائمه به قرآن
۶۹۳	آثار و فوائد قرآن
۶۹۵	فضیلت قرآن و سبب های قرآن
۶۹۵	حدیث فرع بر قرآن
۶۹۷	بخش دهم: شاخه های علوم عصر امام علیه السلام
۶۹۷	قرائت
۶۹۹	تفسیر قرآن
۷۰۹	علم حدیث
۷۱۱	کتابت حدیث در عصر امام جعفر صادق علیه السلام
۷۲۱	علم کیمیا
۷۲۳	بخش یازدهم: صوفیان در عصر امام علیه السلام
۷۲۴	امام جعفر صادق علیه السلام و صوفیان
۷۳۷	بخش دوازدهم: مسئولیت شناسی در کلام امام علیه السلام
۷۳۷	مسئولیت شناسی
۷۳۸	سرچشمه مسئولیت
۷۳۸	مسئولیت و تعهد
۷۳۹	حق، محور مسئولیت
۷۴۱	مسئولیت در برابر خداوند

۷۴۳	 مسئولیت در برابر قرآن
۷۴۵	 مسئولیت در برابر امامان
۷۴۹	 مسئولیت در برابر نفس
۷۵۲	 مسئولیت درباره اعضای بدن
۷۵۴	 مسئولیت متقابل انسان ها نسبت به یکدیگر
۷۵۴	 ازدواج
۷۶۶	 مسئولیت در برابر ارحام و خویشاوندان (صله رحم)
۷۷۰	 مسئولیت های اجتماعی
۷۹۱	 مسئولیت های سیاسی
۸۱۲	 مسئولیت های اقتصادی
۸۴۱	 معیشت در کلام امام جعفر صادق علیه السلام
۸۵۱	 مسئولیت در برابر محیط زیست
۸۵۶	 مسئولیت در برابر حیوانات
۸۵۹	 بخش سیزدهم: فروع دین در کلام امام علیه السلام
۸۵۹	 نماز
۸۶۰	 روزه
۸۶۱	 حج
۸۶۳	 زکات
۸۶۵	 امر به معروف و نهی از منکر
۸۶۹	 بخش چهاردهم: کلمات قصار امام علیه السلام
۸۶۹	 بخش اول: ثمر الدّرر
۸۶۹	 اخلاق
۸۷۰	 یاد پروردگار
۸۷۰	 ناکامی
۸۷۰	 بیزاری از خصلت های زشت

۸۷۰	نجیب
۸۷۱	نشانه بی اعتباری مرد
۸۷۱	موقعیت شناخت
۸۷۱	دوری از انسان های خائن، ستمکار و سخن چین
۸۷۱	سیراب نشدن
۸۷۲	سیری
۸۷۲	سیری
۸۷۲	پیشامد
۸۷۲	نجات
۸۷۳	نادانی
۸۷۳	زیانکاری
۸۷۴	بازداشتن از مراتب عالم
۸۷۴	آینده نگری
۸۷۴	فریب خورده
۸۷۴	اطرافیان سلطان
۸۷۵	ندامت و پشیمانی
۸۷۵	سرشت آدمی
۸۷۵	عظمت و هیبت انسان
۸۷۵	ناکامی انسان
۸۷۶	پیامد ناخوشایند
۸۷۶	بر حق بودن انسان
۸۷۶	تقسیم بندی مردم
۸۷۶	خواسته های ناحق
۸۷۷	نیازمندی
۸۷۷	صفات نیک برای غلام

۸۷۷	سرگردانی
۸۷۸	شجاعت
۸۷۸	سرور و شادمانی
۸۷۸	درست اندیشی
۸۷۹	تقسیم بندی مردان
۸۷۹	تقسیم بندی برادران
۸۸۰	نهی غربت
۸۸۰	تقسیم بندی روزها
۸۸۰	دنیا
۸۸۱	بخش دوم: خناز کوتاه اخلاقی
۸۸۱	مکارم اخلاق
۸۸۳	سلامتی
۸۸۴	قرض و دین
۸۸۵	رحمت
۸۸۵	سلام
۸۸۶	نعمت
۸۸۷	دوستدار شیطان
۸۸۷	علم و دانش
۸۸۸	قضات
۸۸۸	صلاح انسان
۸۸۹	آهستگی
۸۸۹	خردمندی
۸۹۱	منافع
۸۹۲	آسان گیری
۸۹۲	راز

۸۹۳		رسوایی
۸۹۳		صفات هلاک کننده
۸۹۳		تنهایی
۸۹۳		ابرار و فجار
۸۹۴		بدعتگزار
۸۹۴		سخن حق و ناحق
۸۹۵		املاق پیامبران
۸۹۵		عمر طولانی و بلند آوازگی
۸۹۵		روشنی
۸۹۵		غنیمت شمردن نیست
۸۹۷		مصیبت
۸۹۸		دختر و پسر
۸۹۸		کارهای ارزشمند
۸۹۸		انسان مغبون (زیان دیده)
۸۹۹		قوام
۸۹۹		بیهوده گویی
۹۰۰		شهادت
۹۰۱		بخش پانزدهم: پرسش و پاسخ
۹۰۱		بلاغت
۹۰۲		بخل
۹۰۳		ایمان
۹۰۳		شیعه
۹۰۹		بخشندگی
۹۱۰		تدبیر در زندگی
۹۱۰		وصیت



۹۱۱	دنیا
۹۱۲	میلاد مسیح
۹۱۳	جوانمردی
۹۱۴	حسب، کرم، بزرگواری
۹۱۴	پیوستگی اعمال دینی به معرفت سیاسی
۹۱۴	آسودگی
۹۱۵	رزق و روزی
۹۱۵	ارجمندترین و منفورترین مردم نزد خدا
۹۱۷	عدالت
۹۱۷	خود را به حق
۹۱۷	پرسش از امام باقر علیه السلام اسحاق علیهما السلام
۹۱۸	فروش سلاح به اهل ظلم
۹۱۸	وصف محبت اهل بیت علیهم السلام و تالیف، توحید و ایمان و کفر و فسق
۹۲۰	نشانه‌ها و ویژگی‌های دوستان اهل بیت علیهم السلام
۹۲۱	راه شناسایی پروردگار
۹۲۳	راههای معیشت در کلام امام
۹۲۵	انسان، محور قوانین اسلامی
۹۲۷	بخش شانزدهم: نامه‌ها و وصایای امام علیه السلام
۹۲۷	نامه‌ها
۹۳۲	نامه امام درباره غنائم و وجوب خمس
۹۴۵	نامه امام به یکی از شیعیانش
۹۴۵	وصایا و سفارش‌ها
۹۴۵	سفارش امام به مفضل بن عمر
۹۴۶	گذشت
۹۴۶	معاشرت نیکو

۹۴۶	تفقه در دین
۹۴۷	خوش صحبتی
۹۴۷	ورع
۹۴۷	سفارش به انجام واجبات
۹۴۷	میانه روی
۹۴۸	پرهیز از بغی و تجاوز
۹۴۸	امری فرائض
۹۴۸	دوستی اهل بیت علیهم السلام
۹۴۸	صلح ساز
۹۴۸	دیدار
۹۴۹	رسیدگی به نیاز
۹۴۹	آل محمد علیهم السلام
۹۵۰	تصدیق سخن حق
۹۵۱	پرهیز از فریب دنیا
۹۵۱	سفارش دیگری از امام به مفضل بن عمر
۹۵۲	سفارش امام به حمران بن اعین
۹۵۳	سفارش امام به مصادف
۹۵۳	سفارش امام به داود رقعی
۹۵۳	سفارش امام به مردم
۹۵۴	سفارش امام به یکی از شیعیانش
۹۵۴	سفارش امام به عبدالله بن جندب
۹۵۵	شناخت دوستان خداوند
۹۵۶	محاسبه نفس
۹۵۶	دوستان اهل بیت علیهم السلام
۹۵۶	صفات مؤمنان

۹۵۷		جهل
۹۵۷		راه رسیدن به بهشت
۹۵۸		خوف و رجا
۹۵۸		وظیفه نسبت به مؤمن
۹۵۹		نمره کم خوابی و کم حرفی
۹۵۹		دام‌ها و قلاب‌های شیطان
۹۶۰		خیانت
۹۶۰		رسیدگی به مستمندان
۹۶۰		گناهان عیسیا بل بخشش
۹۶۱		صفات نیکوایان
۹۶۱		صفات نیکوایان
۹۶۲		جمع‌آوری مال و اندوختن
۹۶۲		هوای نفس
۹۶۲		اعتماد به پروردگار
۹۶۳		صفات درماندگان
۹۶۳		اعتدال
۹۶۳		آداب کسب و کار
۹۶۴		آداب انفاق
۹۶۴		پوشاندن عیوب
۹۶۵		صدقه پنهانی
۹۶۶		توکل
۹۶۶		روزه
۹۶۷		نیکی و بدی
۹۶۷		سپاسگزاری و کفران نعمت
۹۶۸		کار در دنیا برای آخرت

۹۶۹	شرایط پذیرفتن نماز
۹۶۹	جایگاه دوستان و دشمنان خداوند در روز قیامت
۹۷۱	سفارش امام به مؤمن الطاق
۹۷۲	علت صلح امام حسن علیه السلام
۹۷۲	پرهیز از مجادله و ستیزه و دعوت به سکوت
۹۷۳	پرهیز از سخن چینی و حسدورزی
۹۷۴	پرهیز از فاش کردن راز امامان شیعه علیهم السلام
۹۷۵	غیبه
۹۷۶	شناختن افراد نرذی در بین مسلمانان
۹۷۷	انصاف در رد و دانش
۹۷۷	علم لدنی پیاپی کر و امام شیعه علیهم السلام
۹۷۸	رازداری
۹۷۸	ویژگی مؤمن
۹۷۹	توصیه در مورد علم و دانش
۹۷۹	عشق به اهل بیت علیهم السلام
۹۸۰	سفارش امام جعفر صادق علیه السلام به سفیان ثوری
۹۸۲	طبیعت و جودی انسان
۹۸۲	سخنان امام درباره آفرینش و ساختار جودی انسان
۹۸۷	بخش هفدهم: ادعیه
۹۹۰	دعا در آموزه های امام علیه السلام
۹۹۱	فضیلت دعا و تشویق بر آن
۹۹۹	دعاهای امام صادق علیه السلام
۱۰۰۷	دعا هنگام خواندن قرآن
۱۰۱۳	فهرست منابع و مآخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، سَلَوْتُ والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين
و صَلَّى اللَّهُ عَلَى عَبْدِكَ وَوَلَدِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقَ الْبَارِ
وَالسَّامِعَ عَلَى عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

بانوی دانشمند گرامی، آنکه به مقتضای الأسماء تنزَّلَ فی السَّماءِ، همچنان که
نامش «مرضیه» است انشاء الله و قطعاً پندار و گفتار و کردار او نیز مرضیه و پسندیده
است، سرکار دکتر مرضیه محمدزاده (موسوی خفیه) تعالی و ادام توفیقاتها و
افاضاتها، از این فقیر فانی خواسته است که چند سطر در تخریص و تمجید کتاب
بسیار بسیار سودمند و شریف ایشان در شرح حال و بیان احوال و احوال سید و مولای
ما شیعیان امامی اثنا عشری جعفری، حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد
الصَّادِقَ عَلَیْهِ السَّلَام بنگارم. شک نیست که بیان و بنان از تقریر و تحریر فضائل و مناقب آن
امام همام عاجز و قاصر است و هر چه در آن باره گفته و نوشته شود کم است و وافی به
مقام و مقصود نخواهد بود که بنا بر ضرب المثل عربی مشهور که: «حَدَّثَ عَنْ الْبَحْرِ
وَلَا حَرَجَ» آن نوشته‌ها و گفته‌ها در حکم:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد، قسمت یک روزه‌ای



خواهد بود. واقعاً جای تعجب و تأسف است که در طول یک هزار و سیصد و چهل و چهار سالی که از ارتحال حضرت امام صادق صلوة الله علیه از حیات فانی جسمانی به حیات روحانی باقی می‌گذرد پس از آنچه که در کتب اربعه است، شرح حال و ترجمه مفصل و کامل و مستقلی، سیوای آنچه علامه عالی مقدار مرحوم مجلسی رضوان الله علیه در آن بخش از کتاب مستطاب «بحار الأنوار» که شرح حال و بیان سیره آن حضرت اختصاص دارد و در حیاة القلوب هم مختصر ایمایی به آن فرموده است. بعدها یعنی در دوره قاجاریه مرحوم سپهر کاشانی رحمة الله علیه بخشی از «تاریخ التواریخ» را بدان مصروف ساخته است هیچ شرح واف و کافی دیگری جز همان مندرجات تاریخ عمومی چه عربی مانند تاریخ طبری و ابن اثیر و منتظم ابن جوزی و غیره فارسی مانند حبیب السیر و روضة الصفا و یا کتبی مانند «إعلام الوری» طبرسی رحمته الله، اثبات الوصیه مسعودی رحمته الله متصدی این امر مهم نشده است. در این قرن اخیر بعضی را بر آن بینی مذهب ما مثل مرحوم «ابوزهره» مصری کتاب نسبة مفصل (به قیاس آنچه در کتب تواریخ عمومی یا ملل و نحل و کتب اختلافات فقهی) آمده است را تألیف کرده است.

و یا بعضی نامسلمانان فرنگی که بیشتر با افسان سران متوجهند تا به تاریخ‌نگاری که چیزهایی نگاشته‌اند که نوشته آن مرد فرانسوی میرزا محمد علی به ترجمه شده و هم به فارسی با اضافه و نقصانی که رویه آن مترجم مرحوم بوده به عنوان «تغز متفکر شیعه»!!! ترجمه شده است. نمی‌دانم، شاید شدت اشتها و عظمت مقام والتواریخ حضرت صادق صلوة الله علیه موجب این شده است که مورخان و محدثان و از باب سیر غلط به شرح و بسط اقوال و احادیث مرویه از آن حضرت که متضمن اصول اعتدال و فروع عملی شیعیان است و بدان جهت تشیع امامی اثنا عشری به «تشیع جعفری» ملقب و معنون شده است، پیردازند، از این جهت است که جای کتابی مثل آنچه اینک به همت و زحمت این بانوی فاضل متبّع سخت‌کوش و دانشمند فراهم آمده است، برای فارسی‌زبانان خالی بود و خدا را شکر که حق تعالی جلّت عظمت به بانو دکتر محمدزاده

این توفیق مهم را عطا فرمود که چنین کتاب جامع و سودمندی را که اینک در دسترس علاقمندان و مخلصان در دوستی و پیروی امام صادق علیه السلام است، فراهم آورد.

آن شاء الله خداوند متعال به کرم عمیم خود این خدمت ارزنده را از مؤلف محترم آن به عین عنایت بپذیرد و به او جزای خیر مرحمت فرماید و خدمتگزاری ایشان را به فرهنگ شیعی و سرسپردگی اش را به آستان مقدس معصومین علیهم السلام مستدام فرماید. دکتر محمدزاده کتاب بسیار سودمند خود را با مراجعه و استناد به چهارصد و هشتاد و یک مأخذ و مرجع حدیثی و تاریخی و ادبی و اخلاقی که بیشتر آن مأخذ و مراجع به وثاقت و اعتبار لازم و مقبولیت کافی مشهور است، تدوین کرده و آن را بر دو فصل و مجموع در بیست و هشت بخش تقسیم کرده است که هر بخش متضمن و مشتمل بر مطالب و مسائل مناسب آن بخش است و براستی این بانوی گرامی کمال دقت و نهایت امانت را در انتساب و نقل مطالب مربوطه از آن ۴۸۱ مرجع به کار برده و گلچین مطلوبی را از آن دستورها، جاوید چیده است و روشن است که علاوه بر انجام وظیفه تاریخ نگاری، محرک و مشوق اصلی او در این عمل درخشان و مقبول، همانا، سائقه عشق و محبت خالص ایشان به محمد و آل محمد علیهم السلام است و بس و خداوند آن شاء الله او را بر این موالیان و معشوقان معصوم عاشق تر فرماید و چه نعمتی و پاداشی بهتر و بالاتر از این تعشق می تواند تصور شود.

در بخش چهارم و پنجم فصل اول کتاب شرح مختصر منابع تاریخی دوران اواخر پادشاهی بنی امیه و اوایل پادشاهی بنی عباس است که در آن انواع حوادث و رفتارهای ناهنجار و ستمگری های اموی و عباسی را بر «آل ابی طالب» و تبیین روشن بینی و عاقبت اندیشی و حسن سیاست حضرت امام صادق علیه السلام را بیان می فرماید و وقایع مربوط به جناب عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام و فرزندان گرامی ایشان و از جمله دو بزرگوار محمد نفس زکیه و ابراهیم بن عبدالله و قیام نافرجام آن دو برادر علیه منصور عباسی علیه ما علیه و سعی مطلوب حضرت صادق صلوٰه الله علیه بر خاموش کردن آتش آن فتنه که

امام علیه السلام مکرراً آن عموزادگان محترم خود را از قیام منع می فرمود و آنان را به خویشتن داری توصیه می کرده است، ذکر می کند، آن قیام نافر جام که موجب شهادت و به بهای خون پاک بسیاری از فرزندان حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام منجر گشت (و مایه و مستمسک اعمال فشار و سختگیری در بیش از یکصد سال پس از آن وقایع بر سادات ارجمند بنی هاشم رضوان الله تعالی علیهم و از جمله بر امامان صوم ما از حضرت موسی بن جعفر تا حضرت امام حسن زکئی عسکری صلوٰه الله بیهم کردید). قساوت ها و شقاوت منصور عباسی و عمو و برادران و فرزندان آن خونت را نسبت به آل ابی طالب بیان کرده است و به بحث دربارهٔ مسأله «مهدویت» و ادعای وادعای نفس زکیه علیه السلام بر آن و تأثیر سیاسی آن مسأله بر عالم اسلام می پردازد (علی الظاهر نویسنده کتاب به رعایت بعضی مصالح در این بخش از صحیفه مبارکه سجّادیه و مقدمه بدین مبحث به معنای آن سخنی به میان نیاورده است، و هم چنین ترجیح داده است که بی بی هاشمیه مهربی ها و یا قدرت نمایی هایی را که نفس زکیه علیه السلام نسبت به مقام والای حضرت سجاد علیه السلام و یا جناب اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب رضوان الله علیه «شیخ» بنی هاشم در زمان خود بود مرتکب شده است مسکوت بگذارد) و به هر صورت این دو بخش از مهمترین بخش های کتاب است و حاوی اطلاعات مفیدی برای خردمندان.

بخش اول تا ششم فصل دوم را مؤلف فاضل آن به توضیح و تشریح مبانی و اصول اعتقادی تشیع امامی و ذکر اجمالی اختلافات متکلمین و فرقه اسلامی از معتزله و مجبّره و مرجئه داده است و با ترتیب مطلوبی در خلال نقل کلمات حدیثی امام صادق علیه السلام، اختلافات عقیدتی رایج در عصر آن امام علیه السلام را بیان می کند، عصری که در آن فرق از یک سو و زنادقه و نوظهور و لامذهبان از دیگر سو = با همه نفوذ و قدرت و سیطره و سطوتی که اصول استوار دیانت مقدسه اسلامی از توحید و نبوت و معاد قلوب عموم مسلمانان را منور و مطمئن ساخته بود و دو اصل مذهب تشیع یعنی عدل و امامت نیز بر آن سه اصل اعتقادی برای شیعیان اصلی مسلم و پذیرفته شده شناخته

شده بود = به مجادله و مناظره می بودند و گاه از فرق مسلمین، یک فرقه، فرقه دیگری را که مخالف او می بود اگر نه تکفیر که تفسیق می کرد، مؤلف به نحو معقول و مختصری در نقل آراء عامه و مکاتب و مذاهب کلامی آنان عموماً، و معتقدات تشیع خصوصاً، و درباره مناظرات و مجادلات شخص شخیص حضرت صادق علیه السلام و بعضی از اصحاب بزرگوار آن حضرت که مهارتی در علم یا «فن» کلام داشتند و از عقاید و نظریات دیگر فرق نیز به خوبی آگاهی داشتند، اهتمام و دقت ورزیده است و این دو بخش بر این اطار اجمالی بر اقوال آن فِرَق برای دانشجویان خصوصاً و برای علاقمندان به مسائل کلامی، از آن عصر عموماً بسیار سودمند است، زیرا کلیاتی از مسائل مهمه کلامی از جبر و تفویض و استطاعت و حدوث و قدم و اسلام و ایمان و مخلوقیت یا قدم قدم و امثال این مطالب و مباحث در این فصول شش گانه گنجانیده شده است. مؤلف در فصل غالب آن مطالب را با نثری فصیح و ترجمه ای درست و شیوا برای خوانندگان روش می سازد و خداوند متعال به ایشان جزای خیر مرحمت فرماید و همچنین در باب اختلافات فِرَق مسلمین درباره ذات و صفات حضرت باری تعالی جلّ شأنه (که در این بعضی از فرق اثر عمیقی از اعتقادات اصولی دیانت یهود = یا آنچه احبار و علماء یهود در طی قرون سالفه آن را به عنوان اصولی اعتقادی یهودیت پذیرفته و به اصطلاح جان اینداخته بودند) در تضاعیف این فصول مطالب آموزنده و مفیدی برای علاقمندان به آن را به اهواء آمده است.

بخش هفتم تا آخر کتاب در بیان آنچه در اصطلاح از آن به تعبیر می شود تدوین شده است که متضمن اقوال و افعال و ادعیه حضرت ابی عبدالله علیه السلام است که به راستی

یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک

وصف آن است مکارم اخلاق و محاسن اقوال و افعال آن بزرگوار به تمام معنی محصول و معمول همان فرمایش مقام رفیع و منیع نبوت، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله است که: «بُعِثْتُ لَا تَمَّ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ» و «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ



بِأَخْلَاقِكُمْ»، زیرا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که «اهل بیت نبوت، خُزَّانِ عِلْم و حِفَازِ سِر و مستودعانِ حکمت و مترجمانِ وحی الهی» هستند و به عصمتِ الهی که: «عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» معصوم و محفوظاند، آیینۀ تمام‌نما و مظهرِ اتمِ خلق و خویِ محمدی صلی الله علیه و آله که: «وَإِنَّكَ عَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» وصف آن است، می‌باشند و این بخش‌های کتاب از لحاظِ ترکیه نفس و تخلُّق به مکارم اخلاق معنی بسیار بسیار نفیس و ارجمند است و خواننده را متوجه عمل جامع و کاملی بر تهذیب اخلاق و تلطیف افکار و یا به تعبیر ایرانیان پاک نهاد، پندار و گفتار و کردار نیک است و به مقتضای «وَخَتَامُهُ مِسْكٌ» خانم دکتر محمدزاد نابشری با نقلِ ادعیه مأثوره از حضرت صادق صلوٰة الله علیه مزین ساخته و پایان داده است و ترجمه فارسی دُرست و فصیحی از کلمات درربار و ادعیه مبارکه آن حضرت را بیان کرده است.

در مجموع بی هیچ مناسبتی و مستلزمی این کتاب شریف از بهترین و جامع‌ترین کتاب‌ها یا رساله‌هایی است که در شرح حال و سیره مرضیه حضرت امام ابی عبدالله الصادق علیه الصلوٰة والسلام تألیف شده است و امیدوارم جای مطلوب خود را در میان مطبوعات فارسی به بهترین وجه احراز کند و خوانندگان فراوانی آن را دست به دست بگردانند و به عنوان یکی از بهترین هدایا به یکدیگر هدیه کنند و خاصه آن شاء الله جوانان دانشجوی پاک نهاد پرهیزکار دین‌دار به آن مجالس نورانی کامل پیدا کنند.

بار دیگر مزید توفیق و طول عمر و دوام نعمتِ کنیزی حضرتِ محمدیه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و علی ابیها و علی بعلها و بنیها و حسن غاقبت سرکارشان بانو دکتر مرضیه محمدزاده دامت افاضاتها را از درگاه احادیث جلّت عظمت به دعا مستجاب می‌کند، و آخر دعوانا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَی اللّٰهُ عَلَی سَیْدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ.

کمبریج ۱۳۹۲/۹/۵

فقیر فقی احمد مهدوی دامغانی

پیشگفتار

دوره امامت امام جعفر صادق علیه السلام از طرفی با دوره انتقال سیاسی خلافت از امویان به عباسیان و در نتیجه مساعد برای فعالیت‌های فرهنگی و از دیگر سو با عصر تدوین علوم انسانی مقارن بود. در چنین فرصتی امام راه تدقیق و تفصیل تعالیم مذهب را که پدرش امام محمد باقر علیه السلام گشوده بود، ادامه داد و چنان که از روایات بی‌شمار منقول از آن حضرت آشکار می‌گردد، او ضمن تعیین مواضع امامیه در جوانب گوناگون تعالیم دینی، مهم‌ترین نقش را در تدوین فقه امامیه ایفا نموده است. نظریه امامیه به عنوان اصلی‌ترین ممیزه در فقه امامیه، اعتقادی امامیه گسترش بسیار پیدا کرده و به تبیین باورهای مهم و با ارزش پس از آن انجامیده است. امامیه در سده دوم هجری به‌ویژه بر پایه تعالیم امامان باقر و جعفر علیه السلام، بر اصولی ثابت در نظام اعتقادی خود وفاق یافتند که اهم آنها را می‌توان در چند جمله خلاصه کرد:

- تا مکلفی بر روی زمین است، زمین از حجت خداوند خالی نمی‌تواند بود و این حجت، گاه امامی ظاهر و گاه امامی غایب و پنهان از انظار است که به هر تقدیر، اثر وجودی خود را در جهان خواهد داشت. این حجت قطعاً امامی معصوم است که گناه و خطا در او راهی ندارد. امامان را جز خداوند بر نمی‌گزیند و مردمان از طریق نص

بر امامت ایشان آگاهی می‌یابد و طاعت و پیروی از این امامان بر همگان فرضی الهی است و تخلف از آن موجب گمراهی خواهد بود.^۱

امام جعفر صادق علیه السلام تفسیر جامعی از امامت ارائه نمود. آن گونه که از انبوه روایات منقول از ایشان بر می‌آید، آن حضرت علاوه بر تبیین مواضع امامیه در مسائل اعتقادی مورد بحث در عصر خود، تعالیم مذهب در موضوعات گوناگون کلامی، به ویژه درباره امامت و منزلت امام را با تفصیلی تمام روشن ساخت چنان که در نقلی از امام جعفر صادق علیه السلام از آن حضرت مفاهیمی چون امام مفترض الطاعة، مسأله خالی نبودن زمین از حاکم امام، نبودن دو امام در زمان واحد، اندیشه وصیت و نص در سلسله امامت و احصاء بودن انتقال امامت از برادر به برادر در مورد حسنین علیه السلام به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.^۲

مبادی اولیه مفهوم وظیفه امام را تا آن زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانی‌هایش، امام حسن علیه السلام در نامه‌هایش به معاویه و امام حسین علیه السلام در مکاتباتش با شیعیان در کوفه و بصره معرفی کرده بودند. پس از شهادت امام حسین علیه السلام مفهوم حقانیت امام در خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نسل حسین علیه السلام مطرح و وظیفه امامت به هدایت روحانی و مذهبی جامعه محدود شد و این امر به امام زین العابدین علیه السلام و امام محمدباقر علیه السلام به خوبی تبیین گردید. اکنون پس از خروج مخالفین از صحنه، امام جعفر صادق علیه السلام از موقعیت راهبردی ممتازی برخوردار شد و وظیفه او بود تا آئین امامت را شرح دهد و آن را به گونه‌ای مشخص و روشن بیان کند.

امامت بی تردید محوری‌ترین جایگاه و نقش را در منظومه اندیشه اسلامی شیعه امامیه داراست. اعتقاد به نص و عصمت از یک سو و نقشی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی امامان قائل بوده‌اند، می‌تواند نشانگر

۱. به عنوان نمونه نک: الکافی، کتاب الحجة؛ اوائل المقالات، ص ۴۶ به بعد.

۲. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸ به بعد.

اهمیت این جایگاه باشد. از دیگر سو دست کم در میان برخی گرایش‌ها و محافل امامی، مقام امامت بستری برای بحث در مورد ویژگی‌های خاص امام تحت عنوان طبیعت مقام امامت و حدود علم و قدرت امام فراهم می‌کرده است. در این تلاش امام جعفر صادق علیه السلام بیشترین تأکید خود را بر روی دو اصل اساسی بنیان نهاد:

اصل اول نص است و بدان معنی است که امامت موهبتی است الهی که به شخص برگزیده‌ای از خاندان پیامبر ارزانی می‌شود و امام قبل از رحلتش و با هدایت خدای تعالی، امامت خود را با معرفی و تعیین صریح و روشن (نص) به امام بعدی منتقل می‌کند. این اساس نص، امامت در تمام شرایط سیاسی به فرد معینی از اعقاب فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام محدود می‌شود، اعم از این که این فرد دعوی قدرت سیاسی و حکمرانی داشته باشد و یا نداشته باشد. نصی که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شد، از حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام و از امام حسن به امام حسین علیه السلام تفویض شد و سپس به نسل پیایی امام حسین علیه السلام ادامه یافت تا به امام جعفر صادق علیه السلام رسید و اکثر امامت امام صادق علیه السلام را از مدعیان دیگری که ادعای احراز مقام امامت را از امام قبل از خود نداشتند، متمایز می‌کرد.

دومین اصل اساسی که در آیین امامت وجود دارد، امام ششم آن را مطرح کرد و بر آن تأکید نمود، علم است. این اصل بدان معنی است که هر امام دارای مجموعه علوم لدنی است و تنها می‌تواند قبل از رحلتش آن را به امام بعد از خود منتقل کند. در این راه امام زمان تنها منبع انحصاری قدرت علمی در امور مذهبی محسوب می‌شود و از این رو هیچ کس بدون هدایت او نمی‌تواند در راه راست گام بردارد. علم مخصوص امام شامل معانی ظاهری و باطنی قرآن می‌شود. امامان بر محور این دو اصل - نص و علم - استدلال می‌کنند. اصولی که نه تنها با هم قرین و پیوسته‌اند، بلکه کاملاً به وحدت مرنّی رهبری مذهبی آمیخته است. از این رو نص به معنی انتقال علم لدنی است که به طور انحصاری و مشروع به امامان خاص الهی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل حضرت علی علیه السلام اختصاص دارد و تنها از امام به جانشین و وصی و از خاندان برگزیده رسول الله صلی الله علیه و آله می‌رسد.

بدین جهت از نظر پیروان امام ششم، وی نه تنها امامی از خاندان علوی بود، بلکه فردی معین از اعقاب پیامبر بود که از طرف پدرش امام محمدباقر علیه السلام به امامت تعیین و معرفی شده بود. بنابراین از نظر فطری و ارثی دارای قدرت هدایت مؤمنان در همه مسائل مذهبی بود.

تأکید بر جنبه علم مخصوص امام، نتیجه طبیعی و پاسخ ضروری به اوضاع و احوالات و رغبت‌های زمان بود. در این دوره زمانی بود که جستجو و کاوش وسیع برای ترک احادیث وجود داشت و تلاش بسیار می‌شد تا اصول کلی زندگی پرمیزکارانه، در اسلام بازسازی کنند. این کوشش‌ها در تبیین و تدوین نظام کامل قانون شریعت انجام می‌گرفت.

امام جعفر صادق علیه السلام فرزند وارسته نسل پیامبر که به خاطر دانش و فضیلت بیکران خاندانش در مسائل دینی شهرت داشت، مسلماً و به طور کلی در جامعه به عنوان امام فقه مورد توجه بود و مشغول تدوین جزئیات عمل یک مکتب فقهی. هم‌چنین در این دوره مالک بن انس و ابوحنیفه مالک بن فقه اهل تسنن، مشغول تدوین نظام احکام دینی در مراکز تدریس خود به ترتیب در مدینه و کوفه بودند.

اکنون فهم این مسائل سخت نیست که چرا و به هیچ یک از جنگ‌های قدرت که در طول حیاتش روی داد، شرکت نکرد و همچنان بی‌طرف ماند. در آئین امامت برای امامی که از جانب خداوند به این مقام منصوب شده است، به هیچ وجه لازم نیست تا به قیام برخیزد و بکوشد تا حاکم بشود. از نظر او تمام امامت بالاتر از مقام حکمرانی است و حاکم باید مطیع امام باشد که به عنوان قدرت الهی در همه امور تصمیم می‌گیرد.

امام ششم در شرح موقعیت و جایگاه امام، عبارات روشنی را بیان داشت و اعلام کرد که: «امامت میثاقی است بین خدا و انسان و شناسایی امام بر هر مؤمنی واجب است.»^۱



ثانیاً گرایش‌های کلامی و تنوع و گسترش جریان‌های فکری، اساس اسلام را در معرض خطر انداخته بود و امام پاسداری از دین و جلوگیری از انحراف و بدعت‌ها و حفظ ارزش‌ها را بر قیام مسلحانه محکوم به شکست، برتر می‌دانست. در آن شرایط حساس امام به حفظ آئین پرداخت، چنان‌که مذهب راستین تشیع مروهون فعالیت علمی آن امام همام است.

ازم می‌دانیم از محقق فرزانه، ادیب و اسلام‌شناس برجسته معاصر حضرت استاد زنده‌یاد آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی (حفظه الله) که با وجود کسالت شدید، تمامی کتاب‌ها را از نظر گذراند و راهنمایی‌های ارزنده‌ای مبذول فرموده و سپس مقدمه‌ای جامع بر آن نگاشت، مراتب سپاس و امتنان خویش را تقدیم بدارم.

بدون شک حضرت ابراهیم یکی از ذخائر عظیم فرهنگ و ادب اسلامی است که به دلیل هجرت اجباری، به دور از حوزه‌های ادب و اندیشه اسلامی کمرنگ شده و به ناچار مهجور و دور از وطن و سرکاری گذراند. آرزو می‌کنم محدودیت‌هایی که برای بازگشت این استاد یگانه وجود دارد به زودی مرتفع تا جامعه علمی و فرهنگی کشور بتواند از این گنجینه غنی بهره‌مند گردد.

همچنین از خواهر فرهیخته سرکار خانم مریم آیتی‌پور که در ویراستاری کتاب تلاشی مجدانه مبذول نمودند، امتنان خویش را ابراز می‌نمایم.

و نیز از همسر فداکار و فرزندان عزیزم که در فراهم آوردن محیطی آرام و مناسب برای تحقیق و نگارش مددکارم بودند، مراتب رضایت و امتنان خویش را ابراز می‌دارم. امیدوارم اعمال آنان مرضی درگاه حضرت امام صادق علیه السلام واقع گردد.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مرضیه محمدزاده

۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۲ / ۲۵ شوال ۱۴۳۴

این امتیاز و شایستگی تنها به فرزندان از فاطمه علیها السلام که امامت آنان از جانب خدا معین شده بود، محدود می‌گردد و بدین ترتیب وی دعاوی دیگر شیعیان، اعم از علویان و یا عباسیان را مردود دانست. احراز مقام امامت بر اساس اصل نص و علم امام آن چنان که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آن را تدوین کردند، مدعیان امامت را به نحو بی‌سابقه‌ای در معرض خطر آزار و شکنجه عباسیان قرار داد. زیرا آنان هم ادعای رهبری روحانی جامعه را داشتند.

بیشترین بیم و هراس خاندان‌های اموی و عباسی از جانب همان مدعیان بود. به طوری که کوچک‌ترین قیام سادات علوی در دورافتاده‌ترین مناطق اسلامی بیشتر از گسترده‌ترین قیام‌های دیگر جناح‌ها موجب نگرانی آنان می‌شد. علت اصلی این نگرانی هم روشن بود: ترس از مشروعیت اقتدار طرف مقابل!

چرا امام در عصر مکه و مدینه و یمن و عراق دست به قیام نزد شرایط به گونه‌ای بود که امام وظیفه خود را برای نجات اصل اسلام در تمام می‌دید. اولاً یاران و شیعیان واقعی او اندک بودند.

داستان جالبی را کلینی به این اندازه آورده است: سدید صیرفی نقل می‌کند که تأییدی بر این گفتار ما است. سدید به امام عرض کرد: چرا در این شرایط که دوستان، شیعیان و یاران بسیاری داری، دست به قیام نمی‌زنی؟ به خداوند سوگند اگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام به اندازه شما یاور داشت، آنان نمی‌توانستند حق او را بگیرند. امام پرسید: ای سدید! تعداد یاران من چند تن است. سدید گفت: حدود دویست هزار و شاید نیمی از مردم جهان. امام فرمود: ای سدید با من به تبع بی‌ایمان است. داد استر و خری رازین کردند. خود بر خر سوار شد و استر را به من وا گذاشت. ما را با تمام تا وقت نماز رسید. به زمینی رسیدیم که سرخ رنگ بود. پس فرود آمدیم و نماز خواندیم. امام غلامی را دید که گوسفند می‌چراند. نگاهی به من انداخت و با اشاره به تعداد گوسفندانی که در آن نزدیکی بود، فرمود: اگر به شمار این گوسفندان، یار وفادار و پا در رکاب داشتم، قیام بر علیه ظلم بر من واجب بود. من آنها را شمردم هفده رأس بود.^۱



به علی و فاطمه و اولادش محدود می شود. در این حدیث که به حدیث «الکساء» یا حدیث «اصحاب الکساء» معروف است، چنین می خوانیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و حسن و حسین علیهما السلام را در زیر ردا (کساء) خود در خانه ام سلمه وارد کرد و سپس فرمود: «هر پیامبری اهل بیت و خواصی دارد. خداوند! اینها خاندان من و خواص من می باشند.» ام سلمه با شنیدن این سخن پرسید: آیا من از خاندان تو نیستم؟ پیامبر پاسخ داد: نه، تو به نیکی می گرایی، لیکن تنها این که در زیر ردا هستند، اهل و ثقل من اند.^۱

این روایت بسیار طولانی است ولی شاید مهم ترین بخش آن زمانی است که فرشته وحی (جبریل) به پیامبر نازل شد تا آیه تطهیر را در شأن پنج تن آل عبا اعلام دارد و محمد صلی الله علیه و آله آنان را به فرشته معرفی کرد و فرمود که در زیر عبا فاطمه، شوهرش و دو فرزندش قرار دارند. در این جا به وضوح می بینیم که مرکز ثقل سخن بر روی حضرت علی علیه السلام نهاده نمی شود بلکه فاطمه علیهما السلام محور سخن می گردد و حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام در رابطه با او معرفی می شوند.

به همین جهت است که نفس زکیه در امامه اش به منصور، خود را از نسل فاطمه معرفی می کند. زیدیه نیز نسل فاطمه بودن را بسیار مهمی تلقی می کردند و امامت را تنها به علویانی که فاطمی بودند، محدود می نمودند. بیت امام جعفر صادق علیه السلام در فرمایشاتش تأکید فوق العاده خود را بر روی این نکته می گذارد. در حقیقت این مطلب پشتوانه عظیمی بر حقانیت دعوی امامان حقه در مسائل خلافت بود. سرانجام شخصیت فاطمه علیهما السلام به ویژه در میان شیعیان دوازده امامی به عنوان یکی از ارکان شریفین، ممتازترین و محترم ترین چهره ها مورد توجه قرار گرفت.

امام جعفر صادق علیه السلام در طول زندگی پرثمرش از طریق همین احادیث، قداست اهل بیت را در شایستگی موروثی آنان برقرار ساخت و بر این نکته تصریح کرد که

آن امام به امامان بعدی پی در پی منتقل شد تا این که سرانجام به امام جعفر صادق علیه السلام رسید. از این رو امام ششم اظهار داشت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین نام اعظم خدا و احادیث مربوط به علم نبوت را واگذار کرد. با وجود این آوازه علم بیکران و دانش سرشار امیرالمؤمنین همه گیر بود. نه فقط احادیث امام ششم و مآخذ دیگر شیعی، بلکه اکثر مآخذ سنی و کتب معتبر احادیث آنان هم احادیثی را در رابطه با برتری علمی امیرالمؤمنین ثبت و ضبط کرده اند. از خلیفه عمر به کرات نقل می شود که گفت: «امیرالمؤمنین علی علیه السلام بهترین قاضی مدینه و سرور قاریان قرآن است»^۱. شاید معروف ترین حدیث درباره علم بیکران امیرالمؤمنین این حدیث نبوی باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«من شهر علم مستم و علی دروازه آن شهر است»^۲

بررسی کامل مآخذ سنی و شیعی در این باره، جای هیچ گونه تردیدی را باقی نمی گذارد که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میان اهل بیت و از دانش بیکران و علم سرشار برخوردار بوده است. از این رو وارث علم امیرالمؤمنین نیز به ویژه امامان برحق از خاندان پیامبر شد.

مسأله ای که در رابطه با دعاوی امام جعفر صادق علیه السلام به امامت از طریق نص و وراثت «علم لدنی» وجود داشت محدوده و کاربرد همه «اهل بیت» بود. از طرفی همه اعقاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام اعم از آنها که از اهل بیت فاصله داشتند یا دیگران، ادعای عضویت «اهل بیت» را داشتند و از طرفی عباسیان که آنها هم از اعقاب هاشم بودند نیز ادعای امتیاز «اهل بیت» بودن را می کردند و در می پیروشان به عنوان امامان ملهم خداوند و مهدی، مورد احترام بودند. از این رو امام ششم به سبب تأکید خود را بر حدیثی از پیامبر نهاد که در آن معنی وسیع آیه قرآن راجع به خاندان پیامبر را محدود می کرد. بدین صورت که خاندانی که از آنها هرگونه ناپاکی زدوده شده است،

۱. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. همانجا.

مردم را به آنان تفویض کرده است. مردمی که باید همیشه رهبر و هادی داشته باشند. حتی اگر فقط دو نفر در روی زمین باقی بمانند، یکی از آنان به خاطر نیاز به از شاد و هدایت، امام می باشد.^۱

امام جعفر صادق علیه السلام به منظور این که بتواند حق خود را بر اساس اصل نص به امامت اثبات کند، بسیار منطقی بود. او قبل از هر چیز بر حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام به برتری و حانی جامعه و به عنوان وصی منتخب الهی پیامبر تأکید می نمود. در عین حال این مطلب، سخن تازه ای نبود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام خود پس از رحلت پیامبر نه هنگام شهادت کرات به احقاق حق خود پرداخت و از آن پس امامان حسن، حسین، بن ابی طالب و محمد باقر علیهم السلام هرگز هیچ گونه فرصتی را برای اظهار حق و برتری امیرالمؤمنین علی علیه السلام به وراثت پیامبر از دست ندادند. امام ششم که از شرایط سیاسی و اجتماعی بهتر نسبت به پیشینیان خود برخوردار بود، تنها به تفسیر و شرح و اسلوب دادن به مفاهیم و زمان هایی که تا آن زمان در شکل ابتدایی معرفی شده بودند، مبادرت کرد. از این روی همچون پدرش به تفسیر آیات زیادی از قرآن که انتصاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به امامت اثبات می کرد، پرداخت. مآخذ شیعی، آیات فراوانی در این رابطه نقل کرده اند.^۲

امام جعفر صادق علیه السلام به خاطر سوابق درخت خاندانی و سلسله اجداد طاهرینش، در شرح و تفسیر قرآن سرآمد دیگران بود. بر این کاملاً طبیعی بود که بخشی از جامعه که پیرو خاندان پیامبر بودند، برای تأویلات و تفسیرات امام جعفر صادق علیه السلام ارزش و اهمیت بیشتری قائل شوند تا دیگر کسانی که در مساجد و از طریق تحصیل کسب کرده بودند.

علم لدنی نیز همچون نص، باید به زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام ارجاع می شد که از

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۷ به بعد.

۲. ر.ک: الکافی، کتاب الحجۃ؛ الارشاد، ج ۱، ص ۳۰۴-۳۱۳.

«آن که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، همچون کافر مرده است.»^۱
 «امامان حجت خدا بر روی زمین اند. کلمات آنان کلام خداست و فرامین آنها
 فرامین خداست. آنان در همه تصمیمات از طرف خداوند ملهم اند و قدرت مطلقه
 هستند، بنابراین اینان هستند که خداوند مردم را به اطاعت از آنان فرمان داده است.
 خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ
 تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 فَإِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَخُوضُ فِي الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا﴾^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف رسول را اطاعت
 کنید. اگر در چیزی نزاع کنید، به حکم خدا و رسول بازگردید اگر به خدا و روز
 قیامت ایمان دارید این کار برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش
 عاقبت تر خواهد بود.»

امام جعفر صادق (ع) بر این نکته تاکید کرده است: «هر مردی که امام معصوم در هر زمان برای
 مردم شاهد و باب الله می باشد او راهنما به طرف خداوند و مخزن علم و مفسر وحی
 اوست. امام زمان رکن یکتایی خداست. او مصون از خطابه و خطا و گمراهی و
 ضلالت است. امامان کسانی هستند که خداوند همه پلنگ ها را از آنان دور ساخته و
 آنان را پاک گردانیده است.»^۳

آنان دارای قدرت معجزه و استدالات محکم هستند و برای هدایت مردم به
 امامت برگزیده شده اند. آنان را می توان به کشتی نوح تشبیه کرد که هر کس با آن است
 یابد، رستگار می شود. در حدیث دیگری آمده است که خداوند هدایت روحانی

۱. همان، ص ۴۶۲.

۲. قرآن مجید، سوره نساء، آیه ۵۹.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۳.